يَتَجَلَّى اتِّحادُ الْأُمَّةِ الْإسلاميَّةِ في صُوَرٍ كَثيرَةٍ، مِنهَا اجْتِماعُ الْمُسلِمينَ في مَكانٍ واحِدٍ
جلوه گری بیشتر اتحاد امت اسلامی در صورت های بسیاری، از جمله جمع شدن مسلمانان در یک مکان
في الْحَجِّ. اَلْمُسلِمونَ خُمْسُ سُكّانِ الْعالَمِ، يَعيشونَ في مِساحَةٍ واسِعَةٍ مِنَ الْأَرضِ مِنَ
در حج . مسلمانان یک پنجم ساکنان جهان هستند ، زندگی می کنند در مساحتی بزرگ از زمین از
الصّينِ إِلَى الْمُحيطِ الْأَطلَسيِّ.
چین تا اقیانوس اطلس .
قالَ الْإمامُ الْخُمَينيُّ قُدِّسَ سِرُّهُ: ... إذا قالَ أَحَدٌ كَلاماً يُفَرِّقُ الْمُسلِمينَ، فَاعْلَموا أَنَّهُ جاهِلٌ
امام خمینی گفت : ... هرگاه سخنی بگوید که مسلمانان را پراکنده سازد، بدانید که او نادان است
أَوْ عالِمٌ يُحاوِلُ إيجادَ التَّفرِقَةِ بَيْنَ صُفوفِ الْمُسلِمينَ.
یا دانایی است که تلاش می کند برای ایجاد تفرقه بین صف های مسلمانان .
وَ قالَ قائِدُنا آيَةُ اللّٰهِ الْخامِنئِيّ:
و رهبرما آیت الله خامنه ای گفت
مَن رَأىٰ مِنكُم أَحَداً يَدعو إلَى التَّفرِقَةِ، فَهُوَ عَميلُ الْعَدوِّ.
هرکس ببیند از شما کسی را که دعوت می کند به تفرقه پس او مزدور دشمن است .

الْمُعجَم: واژه‌نامه

أَتقىٰ	پرهیزگارترین	حُرِّيَّة	آزادی	سِلْميّ	مُسالمت‌آمیز «سِلْم: صلح»
اِحتِفاظ	نگاه‌داشتن			سَواء	یکسان
إساءَة	بدی کردن	حَميم	گرم و صمیمی	عَلىٰ مَرِّ الْعُصورِ	در گذر زمان
أَشْرَكَ	شریک قرار داد	خِلاف	اختلاف	عَميل	مزدور «جمع: عُمَلاء»
اِعتَصَمَ	چنگ زد (با دست گرفت)	خُمْس	یک پنجم	لَدىٰ	نزد «لَدَيْهِم: دارند»
أَكرَم	گرامی‌ترین	دَعا	فرا خواند، دعا کرد «يَدعونَ: فرا می‌خوانند»	مَعَ بَعض	با همدیگر
أُنثىٰ	زن، ماده	ذَكَر	مرد، نر	مِنْ دونِ اللّٰهِ	به‌جای خدا، به‌غیر خدا
أَلّا	که نـ ... أَلّا نَعبُدَ: که نپرستیم	فَرِحٌ	شاد	يَتَجَلّىٰ	جلوه‌گر می‌شود
تَعارُف	یکدیگر را شناختن «لِتَعارَفوا: تا یکدیگر را بشناسید.»	فَرَّقَ	پراکنده ساخت	يَجوزُ	جایز است
تَعايَشَ	همزیستی داشت	قائِد	رهبر «جمع: قادَة»	يَسْتَوي	برابر می‌شود
حَبل	طناب «جمع: حِبال»	قائِم	استوار، ایستاده	يُؤَكِّدُ	تأکید می‌کند
		سَبَّ	دشنام داد		